

## بسمه تعالی

عرض سلام خدمت شما امام جمعه محترم یزد

بی مقدمه خدمت شما عرض میکنم، غرض از مزاحمت این بوده که با یکسری مشکلات جدی مواجه شده ام و راه های زیادی را بررسی کرده ام و همچنین از افراد زیادی درخواست کمک کرده ام اما متأسفانه کسی مساعدتی به من نکرده و من همچنان درگیر مشکل خود هستم. به من گفته شده است که درخواست خود را به دفتر شما ارائه بدهم و از شما بخواهم تا به من در حل مشکلم کمک کنید، چراکه شما توانایی حل این مشکل را دارید.

اینجانب جز کادر درمان هستم و در طی دوران همه گیری ویروس منحوس کرونا، هم در زمان کارآموزی و هم پس از آن، به عنوان خدمت گزار این کشور در مراکز درمانی مشغول به خدمت رسانی بوده ام اما در طی ماه آینده قرار است به خدمت سربازی اعزام شوم؛ همچنین برادر کوچکتر من امسال در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان پذیرفته شده و قریب به یک ماه دیگر باید برای شروع آموزش های حضوری به کاشان رفته و تا اوایل بهمن ماه که پایان امتحانات ترم اول آنهاست، تنها مدت زمان های بسیار محدودی می تواند به یزد برگردد.

همان گونه که اشاره کردم من حدودا تا یک ماه دیگر قرار است به خدمت مقدس سربازی بروم. لذا در این شرایط، پدر و مادرمان که کمی سالخورده هستند با مشکلات بسیاری روبه رو خواهند شد. علی الخصوص مادرم که مشکلات جسمی و روحی زیادی داشته و شرایط سختی را پشت سر گذاشته یا بهتر است بگویم همچنان درگیر این مشکلات است. (بیماری اختلال وسواس شدید - طلاق عاطفی - شکستگی مچ پا - جراحی دیسک ناحیه گردن - ضعف و کاهش توانایی حرکتی زانوها - چربی و قندخون بالا - ضعف شدید بینایی و ...).

مادر من افتاده است و برای انجام کارهای روزانه خود نیاز به کمک ما دارد. بدون کمک من یا برادرم، نمی تواند قرص های خود را بخورد و یا حتی عذرخواهی می کنم به دستشویی برود. تقریبا تمام کارهای روزانه او را ما برایش انجام می دهیم و کمکش می کنیم. از سوی دیگر ما وضعیت مالی به شدت بدی داریم و من با کار در مراکز درمانی، هزینه های درمان مادرم را پرداخت می کنم. خودتان تصور این را بکنید که فردی که نمی تواند کارهای روزانه خود را انجام دهد و قرص های ضروری خود را بخورد، چگونه می تواند تنهایی زندگی کند.

از افراد زیادی خواهش و التماس کردم که به نوعی به من کمک کنند اما متأسفانه توجهی به مشکلات من نداشته اند. تنها خواهشی که از شما دارم، این است که خودتان را جای این فرد حقیر بگذارید و اندکی مشکل من را تصور کنید.

مساعدتی که به اینجانب خواهید کرد در واقع به یک پیرزن می کنید که تمام چشم امیدش به این است که کارهایش را من برایش انجام دهم. مطمئنا این مساعدت شما ثوابی عظیم از سوی خداوند برایتان دارد. اینجانب بنده ای حقیر بیش نیستم و کاری از دستم برنمی آید و محتاج کمک شما هستم.

خواهش می کنم از کنار درخواست بنده به سادگی عبور نکنید؛ چراکه قبل از ایجاد مزاحمت برای شما، تمام راه های ممکن دیگر که در توانم بود را بررسی کرده ام و شما آخرین امید من برای دریافت کمک هستید.

❖ لذا این بنده خواهان این هستم که اگر برای شما مقدور هست، مساعدتی کرده تا من دوران خدمت مقدس سربازی خودم را در شهر یزد بگذارم تا بتوانم در نبود برادرم، از مادرم مراقبت کرده و به کارهای ایشان رسیدگی کنم.